

معناداری سبک زندگی اسلامی در خانواده های ایرانی

حلیم بردی حق نیا^۱ موسی خلیلی^۲ عبدالسلیم اونق^۳

^۱ کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه پیام نور بندر ترکمن

^۲ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دبیر آموزش و پرورش گمیشان

^۳ کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دبیر آموزش و پرورش گمیشان

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی معانی و مبانی و موانع سبک زندگی خانواده ها است. روش انجام پژوهش حاضر توصیفی - کتابخانه ای و ابزارهای گردآوری کتب و منابع اسلامی بوده است. سبک زندگی مجموعه تقریباً هماهنگی است از تمامی رفتارها و کنش‌هایی که یک فرد در طول زندگی روزمره از خود نشان می دهد، در واقع سبک زندگی نمودی از جهت گیریها و عادات روزانه است، سبکی شدن زندگی با شکل گیری فرهنگ خانواده ها رابطه نزدیکی دارد، بنابراین می توان شناخت لازم در مورد فرهنگ یک جامعه را از طریق شناخت سبک زندگی خانواده های آن جامعه به دست آورد. یافته ها نشان می دهد که معناداری سبک زندگی را در حرکت به سوی کمال انسانی، تجلی هدف و عشق در رفتار خانواده ها، داشتن آگاهی و چشم اندازی به آینده، بازگشت به سنت های صحیح گذشته یافت. لذا موانعی نیز بر سر راه تحقق آن وجود خواهد داشت از جمله؛ عدم لحاظ شرایط اقتصاد مقاومتی، عدم ساده نگری در روش زندگی خانوادگی، نا آشنایی با دستورات دین و ضعف بنیه اعتقادی، گرایش به خواسته های نفسانی و مادی، برداشت نادرست از اصل کمال خواهی در انسان، روزمرگی، نبود عشق و دوستی، کم کاری، دیگر نمایی (نفاق اجتماعی)، بینش روزانه، گسترش رفتارهای فردمدارانه در اجتماع، ایستایی و تقلید اجتماعی

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، خانواده، موانع و آسیب ها.

۱- مقدمه

فرهنگ کشور ما، فرهنگی دینی و اسلامی است و در نتیجه تربیت ما، تربیت دینی خواهد بود (باقری، ۱۳۸۰). بنابر این سبکی که خانواده های ایرانی در زندگی انتخاب می کنند، باید سبک زندگی اسلامی باشد. دستورات دینی و معنویت، می تواند شکل دهنده و تاثیر گذار بر سبک های زندگی افراد باشد و می تواند زمینه رشد و شکوفایی آنها را مهیا گرداند. سبک زندگی اسلامی عاملی است که به هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به اهداف با وجود تعارض، افراد را قادر می سازد تا ضمن شناخت بهتر خود و دیگران به ایجاد ارتباطات مناسب با افراد و سازگاری با محیط و اجتماع بپردازد، یکی از عواملی که از سبک زندگی تاثیر می پذیرد رفتار آدمی است. رفتار انسانها تحت تاثیر رفتار اجتماعی قرار دارد و شخصیت انسان در صورتی به کمال می رسد که بین او و محیط تعامل و تعادل مناسبی وجود داشته باشد.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

سبک زندگی یکی از دغدغه ها و چالش های زندگی انسان معاصر است. امروزه به دلیل روند سریع تحولات اجتماعی در نیمه دوم قرن ۲۰ و پس از آن در آغاز هزاره جدید، ماهیت موجودیت اجتماعی، به شدت سیال و متحول شده است. وقتی دنیای اجتماعی متحول می شود، به مفاهیمی نو برای درک کردن آن نیاز است. مهمترین تحول پدید آمده در قرن اخیر، گسترش تاریخ مصرف بوده است (باکاک، ۱۳۸۳).

سبک زندگی و ابعاد آن با سراسر زندگی انسانها، هم در سطح آکادمیک و هم در دیدگاههای دینی و نیز در سطح توده مردم، مرتبط و منشاء اثر است. (کاوپانی، ۱۳۹۱)

در پژوهش هایی که در ارتباط با سبک زندگی انجام گرفته است، به عواملی نظیر دین در معنای کلی، خانواده، نظام طبقاتی، سنت و موارد دیگر تاکید شده است. اما در آنها کمتر به اهمیت و ضرورت تحقیق چه در سطح آکادمیک و چه در سطح عملی و کاربردی مربوط به سبک زندگی اسلامی با در نظر داشت کمبودها و کاستی ها در هر دو زمینه، توجه شده است. کمبودهایی از قبیل عدم انجام تحقیق میدانی آکادمیک در ارتباط با این موضوع در بین نوجوانان و جوانان در سطح گسترده، اهمیت برخی از عوامل موثر برگرایش بر این سبک زندگی خاص را نشان میدهد. از بعد کاربردی این تحقیق می توان به شناخت و حفظ هویت دینی با توجه به اشاعه جریانات فکری نوظهور، تکثرگرایی دینی، شکل گیری اندیشه های بعضا غیر دینی و ضد دینی، جدای از مسائل حاشیه ای و تبلیغاتی و به دور از هیا هوی جناحی و سلیقه ای پرداخته و در این زمینه در حد خود راهگشا باشد. در حالیکه به نظر می رسد در دنیای جدید با توجه به اهمیت دین و خانواده، آن هم در جامعه مورد مطالعه که دارای حاکمیتی دینی می باشد و بخش عمده ای از زندگی افراد را تحت تاثیر قرار داده، و بنابراین نقشی به مراتب مهم را به خود اختصاص داده است. پرداختن به این موضوع در جامعه کنونی می تواند بسیار با اهمیت و ضروری باشد.

۳- روش تحقیق

روش انجام پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و به منظور گردآوری داده های لازم جهت دست یابی به اهداف پژوهش، از دو نوع منابع مورد استفاده قرار گرفت: الف- یکی از قرآن ب- دیگری از تحلیل محتوای متون اسلامی مرتبط با موضوع پژوهش با استفاده از فرم های فیش برداری از منابع و با شیوه کیفی.

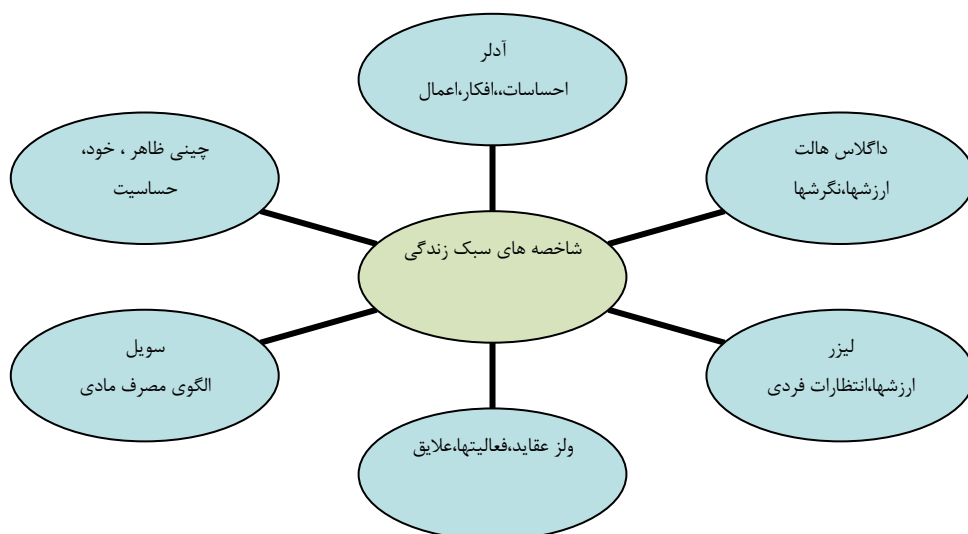
۴- تاریخچه سبک زندگی

«سبک زندگی» در ادبیات موجود علوم اجتماعی مفهومی نسبتاً جدید است. چنان که بعضاً پدیدار شدن «سبک زندگی» را در زمره اختصاصات «جامعه مدرن متاخر» قلمداد کرده اند. طرح علمی این موضوع برای نخستین بار در روان شناسی از سوی آلفرد آدلر (۱۹۲۲) بود و سپس پیروان او گسترش دادند. آنها سبک زندگی را تعریف کردند و آن را در غالب شکلی به نام «درخت سبک زندگی» نشان دادند. (کاپیانی، ۱۳۹۲)

مفهوم سبک زندگی پس از یک دوره افول مورد توجه دانشمندان بخصوص جامعه شناسان قرار گرفت. در میان پیشکسوتان جامعه شناسی زیمل اولین کسی است که اول بار مفهوم سبک زندگی را در نسبت مستقیم با فردگرایی مدرن و تلاش فرد مدرن برای ظاهر ساختن «یکتایی هستی خود» تعریف کرده است. مفهوم جدید سبک زندگی را می باید در نسبت مستقیم با تحول مهم اندیشه و علوم اجتماعی غرب در اوایل دهه ۱۹۸۰ فهم کرد این تحول بعضاً با عنوان «چرخش فرهنگی» از آن یاد می شود. به اهمیت یافتن بیشتر فرهنگ و توابع و مشتقات آن در علوم اجتماعی منجر شد. (صفاهرندی، ۱۳۸۹)

۵- سبک زندگی اسلامی

یکی از راههای درک بهتر مفهوم سبک زندگی بررسی ابعاد و مؤلفه هایی است که برای زندگی در نظر گرفته شده است. اندیشمندان بسیاری در آثار خود از عناصر و ابعاد سبک زندگی یاد می کنند، از جمله زیمل ویلن و وبر از شیوه تغذیه، خود آرای، پوشاک و مدگرایی، نوع مسکن، معماری و اثاثیه و دکوراسیون، نوع وسیله نقلیه، شیوه گذراندن اوقات فراغت و تفریح، اطوار، رفتار حاکی از نجیب زادگی یا دست و دل بازی، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمین، بعنوان مؤلفه ها و عناصر و ابعاد سبک زندگی یاد کرده اند. نمودار زیر برخی از شاخص های سبک زندگی از دیدگاه تعدادی از نظریه پردازان را ارائه می دهد (خادمیان، ۱۳۹۰).



شکل (۱) شاخص های سبک زندگی از دیدگاه نظریه پردازان

به منظور ایجاد ارتباط میان نظریه های سبک زندگی و درک ابعاد سبک زندگی و پیوند با سبک زندگی دینی لازم است به مؤلفه های سبک زندگی از نوع اسلامی را مورد سنجش قرار داد. در حقیقت عموم ادیان دارای نظام معنایی، آموزه ها، نهادها و ساختارهایی هستند که پیروان خود را در ایجاد سبک های زندگی مبتنی بر آن ادیان توانمند می کنند. سبک زندگی ناشی از فرهنگ دینی را می توان سبک زندگی دینی نامید. همانطوری که نظریه پردازان سبک زندگی ابعاد یا مؤلفه هایی را برای سبک زندگی در نظریاتش آورده اند، سبک زندگی دینی نیز دارای ابعاد و مؤلفه های ممتاز است.

دین می تواند در ایجاد عادت ها، سلايق و زیبا شناختی و در نتیجه سبک های زندگی نقش ایفا نموده و جدای از سایر سبک های زندگی و ابعاد آن ها در شکل گیری سبک زندگی خاص با ابعادی جداگانه و یا حتی از نوع دین خاصی نقش داشته باشد که سبک های زندگی اسلامی به زندگی، مانند هر چیز دیگری که اسلامی باشد، ریشه در قرآن دارد یعنی همان کلام خداوند که تجلی الهی در اسلام است. پیام قرآن به یک معنا بازگشت به آن پیام نخستین خداوند به انسان است. این پیام آنچه را که در فطرت اولی مردان و زنان است مخاطب قرار می دهد (نصر، ۱۳۸۲).

۶- معناداری سبک زندگی در متن زندگی خانواده ها

معناداری سبک زندگی را در متن زندگی خانواده ها می تواند موارد ذیل مشاهده کرد که آنها عبارتند از:

۶-۱- حرکت به سوی کمال انسانی

بر اساس مبانی انسان شناختی، منشأ مطلوبیت هر امری برای انسان، حب ذات است. به عبارت دیگر، هرکسی از آنجا که خود را دوست دارد، در طلب چیزی برای خود بر می آید و به انجام کاری دست می زند. دوست داشتن خود، مستلزم دوست داشتن و طلب کردن کمال خود است. بنابراین، هر کسی دوست دارد با انجام دادن کارهایی که او را به کمال می رساند به سمت این غایت و هدف آرمانی حرکت کند. والاترین هدفی که شایسته است مطلوب انسان واقع شود کمال حقیقی انسانی است؛ همان کمالی که خداوند با حکمت بالغه ی خود، انسان و بلکه جهان آفرینش را برای آن آفریده است. از سوی دیگر، در مبانی دیگر انسان شناختی، کمال حقیقی انسان در قرب به خداوند است. بنابراین، نتیجه می گیریم که هدف نهایی؛ یعنی آنچه شایسته است، مقصود نهایی او قرار گیرد، چیزی نیست جز قرب به خداوند متعال. این مبنا، در واقع هدف نهایی انسان و هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی را نشان می دهد. همچنین با توجه به این که هدف نهایی هدفی یگانه است، می توان از آن، اصل هم گرایی در تعلیم و تربیت را استنتاج کرد.

۶-۲- تجلی هدف و عشق در ابعاد مختلف خانواده

هدف متعالی برای انسان در اندیشه اسلامی ترسیم شده، هماهنگ کننده همه هستی است. در این اندیشه، انسان مسیری از او و به سوی او دارد و هماهنگ با سایر اجزای هستی، مسیر تعالی می پیماید. روح تعالی جوی بشر پس از شناخت و باور به هدف مشتاقانه به سوی او می شتابد. در این جهان بینی، راه رسیدن به هدف که انسان آگاه، مشتاقانه در پی آن است، پای بندی به آموزه های دینی است. چنین انسانی، عاشقانه به آن دل می سپارد و این عشق در همه احوال زندگی در آن نمایان می شود. در این نگرش همه هستی تجلی وجود حضرت حق است و این عشق در تمامی ابعاد زندگی او ساری و جاری است.

عشق به خداوند چنان جذبه و شیفتگی در انسان ایجاد می کند که تمامی محبت ها و عشق های دیگر، جهت و مسیری خدایی می یابند. و آدمی را از خود بینی و خود محوری نجات می دهد و آموزه های الهی با تقویت عشق الهی در دل ها، قلب مؤمن را از زندان توجه به صرف بهره وری خود رها می سازد (ساجدی، ۱۳۷۸).

چارلز هارتسهورن بر این باور است که ارتباط خداوند با هر فرد انسانی است که به زندگی وی معنا می دهد. خداوند با عشق به انسانها به زندگی آنها اهمیت داده و در شادی و غم آنها شریک شده است و لذا، عشق و محبت خداوند به تمام انسان ها منشاء معنای زندگی آنان است. بنابر دیدگاه هارتسهورن، معنای زندگی هر فرد انسانی نه به دلیل کمک وی به تحقق هدف یا اهداف خداوند در این جهان یا ارتباط وی با او است، بلکه از آنرو است که خداوند از سر محبت و عشق به زندگی هر فرد انسانی توجه می کند و بدان ارزش و اهمیت می بخشد. (بیات، ۱۳۹۰)

۳-۶- اختیار واگاهی داشتن به آینده

«اختیار» و «داشتن آگاهی و چشم اندازی به آینده» دو ویژگی منحصر به فردی است که هر فرد انسانی به مدد آن هم بنای زندگی خویش را می سازد و هم مسئولیت اخلاقی رفتار و کردار خویش را می پذیرد. فیشر با تشبیه زندگی هر فرد انسانی به کتاب می گوید که هر رفتار و کردار آزادانه انسان در حکم جمله ای است که وی در کتاب زندگی خویش می نویسد و با تکیه بر آنها در زندگی و جهان پیرامون خویش تغییر ایجاد می کند. بنابراین زندگی هر فرد انسانی یک سلسله وقایع و اتفاقاتی نیست که بیرون از خواست و اختیار وی باشد، بلکه مانند داستانی است که وی به قلم رفتار و کردار آزادانه ی خویش آن را می نویسد. فیشر با استفاده از اصطلاح «تبیین داستانی» و «ارزش داستانی» نظریه خویش را درباره نقش اختیار و داشتن چشم اندازی نسبت به آینده در معنای زندگی را توضیح می دهد. (بیات، ۱۳۹۰)

۴-۶- معناداری از طریق بی کرانگی خداوند

هر فرد انسانی می تواند با گذر کردن از حد و مرز بسته ی زندگی خویش، با امور ارزشمندی که فراتر از وجود اوست، ارتباط برقرار کرده، زندگی خویش را معنادار سازد. ارزش موجوداتی که هر فرد انسانی می تواند با ارتباط با آنها به زندگی خویش معنا دهند، یا از خود آنهاست و به بیان دیگر، ذاتی و اصیل است یا از خود آنها نیست و برگرفته از امور ارزشمند دیگر است و هر فرد انسانی با ارتباط با وی می تواند به زندگی خویش معنا بخشد؛ زیرا خداوند بی کران و نامحدود است به همین دلیل، از هر جهت مستقل و غیر وابسته به غیر است و این ویژگی به وی ارزش منحصر به فردی می دهد که می توان با اتکا به آن کسب ارزش کرد. اما ارزش موجودات ارزشمند دیگر ذاتی و اصیل نیست، زیرا ارزش آنها وابسته به موجودات ارزشمند دیگری است که آنها نیز به نوبه ی خود ارزش خویش را و امدار موجودات ارزشمند دیگری هستند و به همین جهت، ارزش این موجودات باید به موجودی ختم شود که ارزش خویش را از موجودات دیگر ی نگرفته باشد؛ وگرنه دچار تسلسل خواهیم شد.

۵-۶- بازگشت به سنتهای اصیل خانواده

بازگشت به سنت های صحیح گذشته، شاید تنها راه نجات انسان، خانواده و جامعه از حصار است که مدرنیته به گرد ما تنیده است، مدرنیته و سازوکارش، نه به طور مطلق، ولی در عموم موقعیت های زندگی با آموزه های دینی ما تضاد جدی دارد. حذف مولفه های درهم شکننده فرهنگ اصیل از زندگی و جایگزینی صحیح آن، ما را به هویتی که از آن دور مانده ایم نزدیک تر می

کند پس ناچاریم در گذرگاههای زندگی یکی از این دوراه را اختیار کنیم: یا به جریان عموم ملتها که تابع غربند بپیوندیم و یا دین خویش و سنت های نیکمان را اختیار کنیم. بازگشت به سنت های اصیل به معنای نفی پیشرفت های فناوری ورد همه ی یافته های نوین علم امروزی نیست بلکه همه اینها را باهم و در کنارهم با سنجیدن از طریق محک عقل و شرع اسلام، می توان بکار گرفت.

۶-۷- مدیریت و استحکام خانواده

قرآن در سوره مبارکه نساء می فرماید: «مردان سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری هایی که از اموال ایشان میکنند» این آیه و نظایر آن هرگز دلیل و نشانه برتری انسانی و فضیلت معنوی مرد بر زن نیست. آنچه در باب تفاوت افراد بیان شده این است که اولاً باید زندگی به نحو مطلوب اداره شود، ثانياً تا هماهنگی بین افراد و طبقات ایجاد نگردد، زندگی به خوبی اداره نمی شود. مدیریت مرد در خانه، همانند مدیریت در جامعه، از اسباب تقدم معنوی و برتری در انسانیت نیست، بلکه تنها یک مسئولیت اجرایی است. از سوی دیگر، حمایت از تشکیل و تحکیم نهاد خانواده و پیشگیری از انحلال و فروپاشی آن، ارتقاء سطح فرهنگی اعضاء خانواده به منظور ایفای نقش اساسی در فرهنگ سازی و اصلاح جامعه، و زدودن باورهای غلط در مورد حقوق و وظایف اعضاء خانواده، از دیگر برنامه های مورد نظر در جمهوری اسلامی برای حفظ خانواده است. گسترش و تعمیق فرهنگ اصیل اسلامی در خانواده جهت تربیت نسل سالم، با ایمان و مسئولیت پذیر در قبال خود، خانواده و جامعه، ایمن سازی خانواده از آسیب و بحران های اجتماعی و حمایت از خانواده های آسیب دیده، از دیگر اهداف سیاستگذاری در سبک زندگی اسلامی - ایرانی در جهت تحکیم بنیانهای خانواده است.

به عنوان گامی مهم در راستای تحکیم خانواده می توان به تصویب «سند تشکیل، تحکیم و ایمن سازی خانواده» در شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره کرد.

این سند دارای ۴ راهبرد کلان است که برخی از آنها همچون: تسهیل شکل گیری خانواده با ازدواج آگاهانه، ساده و پایدار مبتنی بر آموزه های اسلامی، تقویت بنیان های خانواده با تعریف نقش های گوناگونی که اعضاء خانواده می توانند ایفا کنند، مواجهه درست، عالمانه و توأم با برنامه ریزی با آسیب ها و چالش هایی که برای آسیب رساندن به قوام خانواده ممکن است اتفاق بیفتد، نیز مورد توجه قرار گرفته است. همه این مصوبات و سیاستها نشان می دهد که انقلاب اسلامی ایران، سیاست حفظ و تثبیت نهاد مقدس خانواده را بشدت دنبال می کند تا جامعه ای سالم بر اساس سبک زندگی اسلامی برای مردم فراهم کند.

۶-۸- روابط گسترده خانوادگی

ویژگی دیگر در سبک زندگی ایرانی- اسلامی روابط گسترده خانوادگی است. روابط خانوادگی و فامیلی و رفت و آمد با خاله، دایی، عمو و غیره بخشی از سبک زندگی ما به شمار می رود.

۷- موانع و آسیب های سبک زندگی خانوادگی

در زمینه سبک زندگی خانواده های ایرانی چند مانع و آسیب جدی وجود دارد و برخی از آنها عبارتند از:

۷-۱-عدم لحاظ شرایط اقتصاد مقاومتی در روش زندگی خانواده ها

در شرایط اقتصاد مقاومتی فشار زیادی بر کارگاهها و تولیدات داخلی از لحاظ فروش کالاها وجود دارد خانواده ها به خوبی می توانند در جهت حمایت از تولیدات صنایع و مصارف خانوادگی به ارم ایرانی و اسلامی بودن آن توجه جدی داشته باشند که رعایت اقتصاد مقاومتی از طرف خانواده ها بسیاری از کارگران مشغول به کار شده و چرخ اقتصاد به گردش در خواهد آمد و ما به خانواده های ایرانی در جهت رعایت الگوی مصرف براساس تولیدات داخلی می توانیم افتخار بکنیم که نوعی همدلی و ایجاد وحدت در جهت رشد و توسعه ی کشور را به ارمغان خواهد آورد. بانک هانیز باید پس اندازها را در جریان تولید قرار دادها به اشتغال و تولید ثروت بیانجامد؛ نه اینکه به ان سود و بهره بیشتری تعلق گیرد و به این طریق ارزشش حفظ شود.

این همان کاری بود که دولت المان وژاپن بعد از جنگ جهانی دوم انجام دادند و برای برون رفت از شرایط حاد بعد از جنگ از منابع ملی استفاده کردند.

مردم المان وژاپن از مصرف خود کاستند و پس اندازها را به بانک ها دادند و بانک ها اقدام به کارهای تولیدی کردند تا هم اشتغال ایجاد شود و هم ثروت.

اما اثر گذارترین راه کار اصلاح سبک زندگی و نجات از سبک زندگی غیر ایرانی اصلاح رفتار نخبگان و حاکمان جامعه است.

۷-۲-عدم ساده نگری در روش زندگی خانوادگی

باید متولیان جامعه از خودشان شروع بکنند، سبک زندگی خانوادگی خود را تغییر دهند. این روش بسیار منطقی در تربیت است چون تا انسان خود تربیت نشده باشد به آداب و تربیت الهی محال است که دیگران را تربیت کند. ساده زیستی حاکم در سبک زندگی مایه امنیت و امید در دل فقرا ایجاد می شود. این نوع سبک زندگی مانع از بحران اقتصادی است، وقتی در جامعه ناامنی غذایی پیدا شود و تعادل جامعه به هم بخورد انصاف و مروت که اساس دین ماست از دلها بیرون شده و قساوت و اخلاق غیر دینی جایگزین خواهد شد. پس ساده نگری در روش زندگی خانوادگی بعنوان اصل اساسی تلقی شده و از پیچیدگی های درهم تنیده روش زندگی و مدرنیته شدن غیر ضروری یکی از ضروریات بازنگری در سبک زندگی خانواده های ایرانی می باشد.

۷-۳-نا آشنایی با دستورات دین و ضعف بنیه اعتقادی

ضعف بنیه اعتقادی و دینی موجب عدم مصونیت در برابر تاهنجاریها و آسیب های اجتماعی می شود و کاهلی و سستی به ویژه در عبادات که باید انسان آن را از خود دور سازد، زمینه ساز خودخواهی، خودپسندی، غرور و خودکامگی می باشد و زمینه را برای استیلا ی فرهنگ غرب بر فرهنگ اسلامی فراهم می کند.

۷-۴-گرایش به خواسته های نفسانی و مادی

یکی از موانع عمده در زمینه سبک زندگی اسلامی، گرایش به نفس و خواسته های مادی است. غیر از شیطان، نفس، وسوسه کننده های دیگری نیز در بیرون دارد. قدرتمندان دنیا از ابزار های مختلفی برای مطامع خود و استیلا بر جهان استفاده می کنند

و در دنیای جدید که مشخص شده فرهنگ قوی ترین راه نفوذ و بالاترین قدرت طبیعی است، مستکبران از آن بالاترین استفاده ها را می برند.

۷-۵- برداشت نادرست از اصل کمال خواهی در انسان

اصل مساله کمال خواهی، چیز بدی نیست ولی مشکل از جایی شروع می شود که انسانها مصداق کمال را اشتباه می گیرند. در فضای کشور ایران، مردم با انقلاب اسلامی به دنبال زندگی متعالی، پیشرفته تر و مرفه تر بودند، اما این برداشت که زندگی مرفه همه ابعاد کمال را در وجود انسان محقق می کند، اشتباهی است که انسان در طول تاریخ زندگی خود داشته است.

۷-۶- روزمرگی

یکی از نکات مهم در سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام توجه به آینده و نوعی آینده نگری است که روایات فراوان در مزمت روزمرگی و نداشتن برنامه برای آنها وجود دارد؛ چنانکه نبی مکرم اسلام (ص) می فرمایند: «من استوی یوماه فهو مغبون»؛ هرکس دو روزش یکسان باشد، ضرر کرده است. در مقابل این سبک زندگی که آینده نگری و شادابی و نشاط را در حرکت رو به جلو به جامعه تزریق می کند.

۷-۷- نبود عشق و دوستی

یکی از مؤلفه های مهم در سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام که نمود اجتماعی فراوانی در ایجاد زندگی و جامعه با نشاط بسیار مؤثر است، دوستی و محبت کردن به یکدیگر است. این مسئله به اندازه ای اهمیت دارد که پیامبر (ص) می فرماید: «... ولا تومنوا حتی تحابوا»؛ مؤمن نمی شوید تا این که به همدیگر محبت کنید. این سبک زندگی بر خلاف خانواده های غیر اسلامی است که روابط اجتماعی را بر مبنایی خودخواهانه و سودانگارانه بنا می نهد. این خودکامگی برآمده از خانواده های غیر اسلامی، مانع از ایجاد فضای محبت و دوستی در جامعه می شود.

۷-۸- کم کاری

در سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام دنیا و آخرت به هم مربوط هستند، بنابراین انسان از ترک دنیا نهی و به کار و تلاش و آبادانی دنیا دعوت شده است، در حالی که مردم در جوامع و خانواده های خودمدار، انگیزه چندانی برای کار و تلاش ندارند؛ زیرا اینگونه جوامع و خانواده ها، همه چیز را در راستای منافع خود تأمین می کنند.

۷-۹- دیگر نمایی (نفاق اجتماعی)

سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام بر صداقت و پرهیز از دو رویی و نفاق تأکید دارد. در این سبک زندگی، نوعی شفاف سازی در شخصیت اجتماعی و فردی مردم وجود دارد که افراد جامعه مبتنی بر داشته ها و حقایق وجودی خود با دیگران روبرو می شوند و نفاق یکی از مهم ترین رذیلت های اخلاقی اجتماعی است که در روایات از آن به شدت نهی شده است.

۷-۱۰- گسترش رفتارهای فردمدارانه در اجتماع

توجه به نظر و رأی دیگران و پرهیز از خودرأیی از مهم ترین مؤلفه های سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام است که در این سبک زندگی، عجب و خودخواهی، نوعی ضد ارزش است و اعضای جامعه به جمع گرایی و مشورت گرفتن ترغیب می شوند و روابط و رفتارهای اجتماعی خودمدار نیست و مسلمانان به توجه کردن به مصالح و دیدگاه های دیگر اعضای جامعه امر شده اند.

۷-۱۱- بینش روزانه

از نگاه مهم برآمده از سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام، بالابردن بینش و دیدگاه انسان از موضوع های کوچک، جزئی، بی ارزش و کوتاه مدت و توجه به وسعت بخشی به دیدگاه و نظر او در هدایت به سوی مفاهیم عالی رتبه است تا همت و دیدگاهش را بر جایگاهی والا بنا نهد و به دیدگاهی شامل و جامع دست یابد.

۷-۱۲- ایستایی و تقلید اجتماعی

از دیگر مواضع سبک زندگی، ایستایی و تقلید اجتماعی است. یکی از مؤلفه های سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام پویایی فردی و نداشتن تکیه کامل و بدون فکر بر جمع است؛ زیرا تقلید کورکورانه و فراگیر اجتماعی، مانع از بروز خلاقیت ها و سبک گسترش اشتباهات می شود. روایات معصومین علیهم السلام ما را از روحیه تقلید نهی و بر پویایی جامعه تأکید دارد.

۸- نتیجه گیری

سبک زندگی مفهومی است شناخته شده در علوم انسانی و در سطح بین المللی، که از زاویه های متعدد به آن نگاه می شود و از ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار می گیرد و در مورد معنای آن بین نظریه های مختلف، توافق چندانی وجود ندارد.

نهادینه کردن سبک زندگی برعهده تنها یک بخش از بدنه اجتماع نیست. بلکه تمامی نهادهای فردی و اجتماعی موثر در اجتماع باید در کنار یکدیگر در یک جریان همسوقرار گیرند که فرد را بتوان بسوی سعادت رهنمون سازد. در این میان نهاد خانواده نقش پررنگ تری دارد. بالندگی فرد از خانواده شروع می شود و از آنجا هدایت می گردد. عدم ایجاد ارتباط قوی بین خانواده و فرزندان وضعف در معرفی سبک زندگی ایرانی اسلامی به افراد جامعه بزرگترین ضربه ها را به پیکره فرد در اجتماع می زند. مسلماً هر جا که نقش خانواده دچار ضعف گردیده است رهبری در خانواده دچار لغزش شده است.

۹- پیشنهادات

- انجام تحقیقات بیشتر در زمینه شناخت نیازهای فراغتی مردم
- ارائه آموزشهای لازم به خانواده ها جهت چگونگی اختصاص کمک هزینه (پول توجیبی) به فرزندان و میزان آن.
- ایجاد کارگاههای آموزشی برای خانواده ها جهت آموزش چگونگی نظارت بر نوع پوشش و فعالیتهای جوانان به نحوی که حساسیت آنان را در پی نداشته باشد.
- گسترش هرچه بیشتر اماکن تفریحی و ورزشی جهت گذران اوقات فراغت

- ایجاد انگیزه و تشویق نوجوانان و جوانان در جهت مصرف کالاهای فرهنگی.
- ارائه تخفیف و یا بن های خرید محصولات فرهنگی به خانواده ها و نهاد های آموزشی.
- ارائه آموزشهای قبل از ازدواج در زمینه معیارهای صحیح انتخاب همسر به جوانان.
- برگزاری نشست های علمی با حضور اساتید متخصص در رابطه با روش های صحیح زندگی به خانواده ها.

منابع

- ۱- باکاک، روبرت (۱۳۸۳)، مصرف، ترجمه حسرو صبوری، تهران، نشر شیرازه، چاپ سوم.
- ۲- باقری، خسرو (۱۳۸۰)، تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم، نشریه: علوم سیاسی، بازتاب اندیشه، شماره ۴۴، ۱۵-۳۸، ۳-بیات، محمدرضا، (۱۳۹۰) دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ۴- ساجدی ابوالفضل، دین و بهداشت روان، فصلنامه روان شناسی و دین، سال اول، شماره اول، ص ۵۵-۸۶، بهار ۱۳۸۷.
- ۵- صفار هرنندی، سجاد، مقاله سبک زندگی چند سال دارد؟ (تارخچه تحول مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی) نشر بهسوره اندیشه، آذر و دی ۱۳۸۹، شماره ۴۶
- ۶- خادمیان، طلایه (۱۳۹۰)، سبک زندگی و مصرف فرهنگی، تهران، نشر جهان کتاب، چاپ سوم.
- ۷- کاویانی، محمد (۱۳۹۲) سبک زندگی و ابزار سنجش آن، قم، انتشارات جعفری.
- ۸- نصر، سیدحسن (۱۳۸۲) نیاز به علم مقدس، مترجم حسین میاننداری، قم موسسه فرهنگی طه، چاپ دوم.